



## سوره مبارکه نجم

- سوره مبارکه «نجم» در مورد پیامبر بزرگوار اسلام است.

- سوره مبارکه نجم چه می گوید؟

آیه (۱): «وَ النَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ» ماجرا حکایت ستاره است؛ ستاره‌ای که افتاده است.

آیه (۲): «مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ» کسی که صاحب ماست نه خطا و انحراف دارد و نه گمراه است.

آیه (۳): «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ» از روی هوا و هوس صحبت نمی‌کند.

آیه (۴): «إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» هر نطقی از او، وحی‌ای از وحی‌های الهی است.

آیه (۵): «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ» با غیب ارتباط دارد.

آیه (۶): «ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ» غیبی بسیار نیرومند.

آیه (۱۱): «مَا كَذَّبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ» هر چیزی که دیده می‌شود قلبش به او دروغ نگفت.

آیه (۱۲): «أَفْتَمَارُؤْنَ عَلٰی مَا يَرٰی» با او مجادله نکنید.

آیه (۱۶): «إِذْ يَغْشَى السُّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ» باورش برای انسان سخت است کسی روی زمین راه برود و بهشت نزد او باشد.

آیه (۱۷): «مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ» چه می‌شود که کسی چشمش انحراف نداشته باشد.

آیه (۱۹): «أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ» شما پیامبر را با چیز دیگری عوض نکنید.

آیه (۲۳): «إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ وَ لَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ

الهُدَىٰ» شاید تعجب کنید چرا خداوند بین آیاتی که درباره پیامبر است، یک‌باره از انسان‌های بت‌پرست یاد می‌کند؟ شاید دلیلش این باشد که

همیشه خوبی و زیبایی، خودش را در کنار بدی‌ها نشان می‌دهد. اگر بتوانیم تمایز ایجاد کنیم، متوجه تفاوت می‌شویم. اگر خواستید زیبایی

کسی که لحظه لحظه عمرش وحی است را نسبت به کسی که وقتی می‌خواهد عبودیت کند نام معبودهایش را لات و منات و ... می‌گذارد و

پسران را به خودش نسبت می‌دهد و دختران را به خدا، باید این دو آدم را در کنار هم ببینید تا بتوانید تفاوت‌ها را حس کنید. وقتی کسی در

تمام طول حیاتش حتی یک لحظه هم از وحی برخوردار نمی‌شود، با آدمی که تمام وجودش از وحی است، در کنار یکدیگر کتراست بسیاری

ایجاد می‌کند، زیبایی این تفاوت دیده می‌شود.

آیه (۲۷): «بِهَ زِبَايِي اِيْن تَفَاوْتِ رَا بِيَان مِي كَنْد كِه: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيَسْمُؤْنَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَىٰ» فرق است بین کسی که از طرف

جبرئیل که ذی قوه است به او وحی می‌شود با کسی که آنقدر نمی‌فهمد که ملائکه را دختر می‌داند و نام دختر بر آن‌ها می‌گذارد.

آیه (۲۹): «فَأَعْرَضَ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» خیلی بد است انسان در سیستم زندگی‌اش فقط اراده‌اش حیات دنیا شود.

آیه (۳۰): «ذَلِكُمْ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَىٰ» سپس به او بگویند تو همین قدر می‌فهمی. تازه

فکر کند هدایت‌شده هم هست!

آیه (۳۲): «الَّذِينَ يَجْتَبِئُونَ كِبَارَ الْأَئِمِّ وَ الْفُؤَاحِشِ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَعْرِفَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ إِذْ أَنْتُمْ أَجْنَةٌ فِي بُطُونِ

أُمَّهَاتِكُمْ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ أَنْتَقَىٰ» این آیه به غفران الهی اشاره کرده و می‌گوید: قصدمان سخت‌گیری نیست، شما از گناهان کبیره

و فواحش دست بردارید، آن‌هایی را که از دستتان در می‌رود، ما می‌بخشیم. خدا خودش، شما را از بطون مادران بزرگ کرده است. سعی

نکنید خودتان را از خیلی از مشکلات بری کنید، وقتی مشکل دارید مشکلاتان را برطرف کنید.

آیه (۳۴): «وَ أَعْطَى قَلِيلاً وَ أَكْثَىٰ» این خیلی دردآور است که خداوند نعمت هدایت و همه امکانات را به انسان‌ها عطا کرده است اما آن وقتی

که انسان بخواهد از مال خودش بیخشد و یا توانی را انفاق کند، برایش سخت بیاید.

آیه (۳۵): «أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ يَرَى» خیلی از کارهایی که ما انجام می‌دهیم، پشت آن‌ها حرف‌های زشتی خوابیده است. مثلاً وقتی بخل داریم یعنی من سکان‌دار هستم و غیب می‌دانم.

- در آیات (۳۸ تا ۴۲) اصول مهم زندگی بیان شده است:

آیه (۳۸): «أَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» وزر کسی را به گردن کسی دیگر نمی‌اندازند و اگر کسی گمراه شد نگوید: تقصیر کسی دیگر است.

آیه (۳۹): «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» انسان سعی می‌کند و مزد می‌گیرد. فکر نکنید بدون سعی به کسی چیزی می‌دهند.

آیه (۴۰): «وَأَنْ سَعْيَهُ سَوْفَ يَرَى» بدانید هر سعی‌ای کردید به زودی آن سعی‌تان را می‌بینید.

آیه (۴۱): «ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجِزَاءَ الْأَوْفَى» خیلی بیشتر از آنچه فکر می‌کنید به آن جزا داده می‌شود.

- در ادامه سوره تأکید می‌کند:

آیه (۴۲): «وَأَنْ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى» از اینکه دارید می‌میرید خوش باشید زیرا به خدا می‌رسید.

آیه (۴۳): «وَأَنْتَ هُوَ أَضْحَكٌ وَابْكِي» وقتی می‌خندیدید یا گریه می‌کنید، خدا را در آن ببینید؛ زیرا خداست که می‌خنداند و می‌گریاند.

آیه (۴۴): «وَأَنْتَ هُوَ أَمَاتٌ وَأَحْيَا» هم اوست که زنده می‌کند و می‌میراند.

آیه (۴۵): «وَأَنْتَ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى» نگاه کن به ذکر و انثی

آیه (۴۶): «مَنْ تُطْفِئُ إِذَا تَمَنَّى» یک شیء با پتانسیل بالا ریخته شده است

آیه (۴۷): «وَأَنْ عَلَيْهِ النُّشَاءُ الْأُخْرَى» او بزرگ می‌شود، به دنیا می‌آید و زندگی می‌کند و بعد هم به آخرت می‌رود.

آیه (۴۸): «وَأَنْتَ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَى» در این بین آن کسی که بی‌نیاز می‌کند و سرمایه می‌دهد خداست.

- کم‌کم در آیات پایانی سوره می‌رسیم به اینکه باید نجممان هوی شود؛ یعنی به زمین بیفتیم و ببینیم نجمی که هوی می‌شود چگونه است.

این آیه جزو آیات متشابه است و چندین تعبیر از آن شده است:

❖ یک تعبیر این است که یک سری ستاره‌ها در حال سقوط هستند و قسم به آن‌ها که نشانه‌ها و علائمی از اتفاقات مهمی هستند.

«هوی» به معنای سقوط و افول است و یا اینکه از معرض دید خارج می‌شود. ستاره‌ها نشانه‌های وقایع مهمی بوده‌اند. اغلب مفسرین

این تعبیر را از این آیه دارند.

❖ ولی یک حالت هم این است که وقتی می‌بینیم یک چیزی با همه چیزها متفاوت است می‌گوییم: انگار از آسمان افتاده است؛ وقتی یک

عنصر هدایتی پایین می‌افتد این گونه می‌گوییم. زیرا کار ستاره نشان دادن راه است.

- پیامبر؛ ستاره‌ای است که روی زمین آمده است.

- «نجم اذا هوی» یعنی ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد. وقتی نگاه می‌کنیم می‌بینیم افق این ستاره و جنس و حتی جنس نگاه‌ها و رفتارشان

متفاوت است، درست است او در بین مردم زندگی می‌کند ولی همه چیزش با بقیه آدم‌ها متفاوت است.

اللهم صل على محمد وآل محمد والحمد لله رب العالمين